



۲۰۱۹/۱۰/۰۳



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت نهم



غم اگر به کوه گویم بگریزد و بریزد
که دیگر به این گرانی نتوان کشید باری



به ادامه گذشته:

ابتکار عمل برای موافقت صلح بین طالب ها و مجاهدین توسط ملل متحد گرفته شد:
نوربرت هول (Norbert Holl) در یک مصاحبه مطبوعاتی، در جواب یک خبرنگار که از وی پرسید:
در صورتی که موافقت صورت بگیرد، حقوق خانم ها در کجا گنجانیده خواهد شد؟
جواب: خانم ها؟! «women?»، در باره خانم ها با من حرف نزنید. (Don't talk about women with me).

من در مورد خانم‌ها اشاره نداشتم، این یک موضوع کلتوری می‌باشد، و من کوشش می‌کنم در مورد صلح مبادله و مذاکره کنم.

در مورد از بین بردن کوکنار و ختم تولید تریاک در یک سال، متوکل کوشش می‌کند تا موضوع کمک به زارعین و مشکلات غربت را با ملل متحد در میان گذاشته و تقاضای کمک نماید، مگر ملل متحد سریعاً مذاکره در این مورد را نمی‌پذیرد.

در ماه می 1997 میلادی طالب‌ها به مزار شریف داخل شدند، جنرال ملک برای گرفتن انتقام قتل عبدالرحمن پهلوان توسط دوستم، که بعد از دعوت در خانه دوستم واقع شده بود، به داخل شدن طالب‌ها در شهر مزار شریف کمک می‌کند.

ملا گوٹ از وزارت خارجه طالب‌ها بعد از گرفتن شهر مزار شریف، جهت استحکام اقتدار شان در این شهر، به مزار شریف داخل شد.

ملک هزاره‌ها را در شهر داخل و همه آن‌ها را در ظرف 24 ساعت مسلح ساخت، وقتی طالب‌ها در کارته هزاره‌ها داخل شدند خود را در محاصره یافتند. صد‌ها طالب کشته شد و اجساد شان پارچه پارچه گردید.

اسیران طالب را در دشت‌های شمال در بین 9 چاه انداخته و بالای شان با ماشیندار فیر نمودند و بمب‌های دستی پرتاب کردند. طالب‌ها از ملل متحد درخواست نمودند تا در این موضوع تحقیقات نماید، ملل متحد اعلان یک کشتار دسته جمعی را بدون تعقیب زیادت‌تر در این مورد داد.

باوجودی که یک هیئت ملل متحد جهت تحقیق از این حادثه بالای ساحه رفت، جمع‌آوری معلومات در مورد این رویداد و اعمال دلخراش این واقعه کاملاً برای ناظرین ملل متحد روشن و هویدا بود. در آن کشتارگاه اجساد در حالت فاسد شدن و گندیدن بودند. و از طرف مردمان قریه برای شان در مورد چگونگی قتل طالب‌ها توضیح داده شده بود، و جای چاه‌های که طالب‌ها در آن انداخته شده و بعداً به قتل رسیدند برای شان نشان داده شده بود. از جمله هفت چاه، رویش با خاک پوشیده شده بود و دو دیگر آن باز بود. در اطراف چاه‌ها پوچک‌های مرمی‌ها و کارتوس‌ها و بمب‌های دستی به خوبی دیده می‌شد. در اطراف و اکناف محل پارچه‌های اسکلیت و پارچه‌های بدن انسان مانند یک غنچه موی، و امثال آن به خوبی دیده می‌شد، اعلان اسیر نمودن 2000 طالب را نمودند، لکن اسیران جنگی همه شان به وضع رقت بار و فجیع کشته شده بودند.

کمپ‌های مجاهدین که در ننگرهار، پکتیا، کنر و لغمان بود به دست طالب‌ها افتاد و به قرار احصائی به دست آمده در آن وقت تعداد طالب‌ها را به بیست هزار نفر بالغ می‌دانستند.

موجودیت حمایت تاجران بیرونی و هم حمایت لوژیستیکی توسط آی.اس.آی (I.S.I) پاکستانی زمینه را برای تبارز جنبش طالبان در سال 1994 میلادی و پیروزی طالبان در سال 1996 میلادی مساعد ساخت.

برعکس آنگاهی که قدرت را به دست آوردند، رژیم طالب‌ها به یک مانع و مشکل بزرگ برخورد نمود، که عبارت از نداشتن قدرت به صورت مطلق و یک پیروزی قاطع شان بالای تمام قلمرو بود، نظر به این که ائتلاف شمال در یک محدوده کوچک مقاومت را حفظ نمودند. بر علاوه یک تعداد زیاد ممالک حمایت نظامی و لوژیستیکی، بعضاً به صورت رسمی مانند (روسیه و ایران) و یک تعداد دیگر در خفا مانند (فرانسه، ترکیه و امریکا) به ائتلاف شمال می‌نمودند.

فلهذا طالب ها تنها در سه مملکت نمایندگی های دیپلماتیکی داشتند، که عبارت از پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بود، به رسمیت نشناختن طالبان یک مانع بزرگ برای عدم تحول شان از یک طرف و بنیادگرایی و پیوستن شان به القاعده از طرف دیگر گردید، زیرا بقای شان در خطر افتاده بود.

بر عکس سفارت های افغانستان منجمله چوکی افغانستان در ملل متحد توسط اعضای ائتلاف شمال، مخصوصاً جمعیتی ها اشغال شده بود که این حالت زمینه را برای فعالیت های بسیار شدید شان مساعد ساخت. مثال بسیار قابل توجه و چشمگیر، شبکه دوستی بود که در فرانسه به دور داود میر که نماینده جمعیت در پاریس بود و به عنوان دیپلمات بلند رتبه (chargé d'affaires) ایفای وظیفه می نمود، تشکیل گردیده بود.

وی نماینده ارتباطی حزب جمعیت در داخل مؤسسات معتبر و مختلف فرانسه، مانند پارلمان فرانسه، وزارت خارجه فرانسه و همچنان رسانه ها و تعدادی دیگر مؤسسات اروپایی رول بازی می کرد. همچنان متضمن یک سفر پر سر و صدای دو سناتور فرانسوی به دره پنجشیر بود، که در رسانه های فرانسه سر و صدا هایی زیادی را برپا نمود و باعث ساختن یک فلم توسط کریستوف دُ پانفیلی (Christophe de Panfilly) به نام مسعود افغان گردید.

مسعود از طرف پارلمان اروپا دعوت شد، و فرصتی خوبی که این دعوت برایش مساعد ساخت، دادن راپور های مخالفت ائتلاف شمال با طالبان بود، و این اختلافات را مانند یک تضاد تمدن ها توضیح نموده، و طرز عمل طالب ها را خلاف منافع غربی ها دانست، و علاوه نمود که منافع غرب از نظر سیاسی - کلتوری و ستراتیژیکی به بازی گرفته شده است.

بالاخره وزیر صحنه افغانستان ملا عباس آخذن توسط وزارت خارجه فرانسه به پاریس دعوت شد، و این دعوت سبب متهیج شدن بسیار شدید نمایندگان جمعیت در پاریس گردیده و از خود مخالفت و اعتراضات نشان دادند.

در این دیدار، طالب ها در مورد به حاشیه راندن شان از طرف جامعه جهانی سخن گفته و تقاضای کمک های بشری نمودند. زیادتیر تقاضای برگشت دوباره مؤسسات غیر دولتی را (Organisation Non Gouvernementale, ONG) (

نمودند. به طور مثال یک سند مؤافقه بعد از مذاکرات بسیار زیاد بین مؤسسات غیر دولتی و نماینده طالب ها ملا عباس آخذن امضاء گردید.

در مورد دو مشکل مذاکرات صورت گرفت: یکی در مورد این که دفاتر مؤسسات غیر دولتی را که طالب ها همه را در پوهنتون پولیتخنیک منتقل ساختند و علت آن را محافظه نمودن این دفاتر در صورت حمله مخالفین پنداشته بودند، که در صورت حمله از آن ها محافظت صورت گرفته شده بتواند.

نقطه دوم ممنوع قرار دادن کارکنان خارجی کمک های بشری با همکاران محلی شان. در این جا باید توضیح داده شود که سیاست زور و فشار طالبان به صورت کلی فاقد انسجام می باشد. زیرا عملی نمودن کمک و همکاری بدون همکاری کارکنان داخلی غیر ممکن می باشد.

شروع محکوم نمودن رژیم طالب ها توسط جامعه بین المللی با فعالیت های شدید که توسط چهره های امریکایی که خواستار تساوی حقوق بین زنان و مردان بودند، آغاز گردید. این ها چادری را شعار خود ساختند، بدون مد نظر گرفتن حقوق بشر که حق تمام باشندگان هر سر زمین می باشد.

دلیل دیگری محکوم نمودن طالب ها، حمله بر تأسیسات دیپلماتیک امریکایی در سال 1998 میلادی بود، یکی به نایروبی پایتخت کینیا به تاریخ 7 اگست 1998 میلادی و دومی در عین روز بالای سفارت امریکا در دارالسلام پایتخت تانزانیا و گرفتن مسئولیت آن توسط اسامه بن لادن، از پناه گاهش در توره بوره که در ولایت ننگرهار موقعیت دارد، بود.

اقدامات امریکا جهت تحریم و محکوم نمودن رژیم طالب ها، در جواب ادعای گرفتن مسئولیت های حمله ها بر تأسیسات دیپلماتیک امریکا از طرف اسامه بن لادن بود.

و این تحریم ها از یک طرف شامل پرتاب یک راکت رهبری شده (Missile) بود، و از طرف دیگر از ملل متحد درخواست نمود تا به تحریم مالی علیه رژیم طالبان بپردازد.

تحریم ها، مخصوصاً تحریم هوایی برای پرواز ها و ممنوعیت کمک های بشری بودند.

محکوم نمودن های بسیار شدید، تند، مهلک و تکراری جامعه بین المللی، عدم کمک مالی و غربت بی سابقه و خشک سالی چند سال به صورت متواتر، باعث فشار بالای رژیم طالبان گردید، و جواب به مقابل بی عدالتی که از طرف جامعه بین المللی بالای شان تحمیل گردیده، همانا سبب نزدیک شدن زیاد شان با شبکه سلفی و عملی نمودن بعضی از ایدئولوژی های آن شبکه توسط طالب ها گردید.



ادامه دارد